

# خدمتگار

استفانی لند

برگردان: فاطمه قربانپور

www.ketab.ir

|                                                                                             |                       |
|---------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|
| لند، استفانی، ۱۹۷۸ م. Land, Stephanie, 1978                                                 | سرشناسه               |
| خدمتکار، استفانی لند / برگردان: فاطمه قربانپور                                              | عنوان و نام پدیدآور   |
| مشهد: نشر شمشاد، ۱۳۹۸                                                                       | مشخصات نشر            |
| ۳۸۸ ص؛ ۵/۲۱×۱۴/۱۴ س.م.                                                                      | مشخصات ظاهری          |
| ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۳-۴۷-۱؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال                                                              | شابک                  |
| فیبا                                                                                        | وضعیت ففست نویسی      |
| عنوان اصلی: Maid : hard work, low pay, and a mother's will to survive, First edition, c2019 | یادداشت               |
| زنان خدمتکار خانه -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه                                             | موضوع                 |
| Women household employees - United States - Biography                                       | موضوع                 |
| کارگران -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه                                                       | موضوع                 |
| Working class -- United States -- Biography                                                 | موضوع                 |
| مادران مجرد -- ایالات متحده -- سرگذشتنامه                                                   | موضوع                 |
| Single mothers -- United States -- Biography                                                | موضوع                 |
| فقرای کارگر -- ایالات متحده                                                                 | موضوع                 |
| Working poor -- United States                                                               | موضوع                 |
| فقر -- ایالات متحده                                                                         | موضوع                 |
| Poverty -- United States                                                                    | موضوع                 |
| فاطمه قربانپور، ۱۳۷۰، مترجم                                                                 | شناسه ی افزوده        |
| HD۶۰۷۲/۲                                                                                    | رده بندی کنگره        |
| ۳۳۱/۴۸۱۶۵۰۴۶۰۹۷۳                                                                            | رده بندی دیویی        |
| ۵۸۸۰۸۷۰                                                                                     | شماره ی کتابشناسی ملی |

مترجم: دکتر، استفانی لند

مترجم: فاطمه قربانپور

ویراستار: افسانه رشیدان

طراح جلد: عباس یحیوی

نمونه خوان: مهدی زاهدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۳-۴۷-۱

مشهد، میدان تقی آباد، ابتدای خیابان دانشگاه، کتابخانه

تلفن: ۰۵۱ - ۳۸۴۳۳۱۵۷ @ Abanbook\_store

[www.shemshadpub.ir](http://www.shemshadpub.ir)

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوی فاتحی داریان، پلاک ۲،

واحد ۱۰، انتشارات آبان

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۵۵۰۱۲ نمابر: ۰۲۱۶۶۴۰۱۶۴۳



## پیشگفتار

به دنیای استغنی لندن خوش آمدید.

برای ورود به این دنیا باید هر ذهنیتی که از خدمتکاران خانگی و پدر یا مادران تنگ‌دیده، تصاویر رسانه‌ها و دیدگاه منفی به فقر را که با شنیدن این واژه‌ها و تصاویر در ذهنتان شکل می‌گیرد کنار بگذارید. استغنی زنی سخت‌کوش است. «استاد سخن»، واژه‌ای غرورآمیز و تحسین برانگیز که صاحب نظران به افرادی نسبت می‌دهند که علی‌رغم نداشتن سواد دانشگاهی هوش چشمگیری دارند. خدمتکار کتابی است درباره‌ی دوران مادری‌اش و تدریسش به فرزندانش. خانه و زندگی امنی برای دخترش میا، درحالی‌که باید به کمک‌های دولتی ناچیز و درآمد بسیار اندکش به‌عنوان یک خدمتکار، دوام می‌آورد.

«خدمتکار» واژه‌ای است مطبوع، یادآور سینی‌های جای، یونیفرم‌های آهاردار، دان تان ابی<sup>۱</sup>. اما در واقعیت دنیای خدمتکارها پر است از لکه‌های چرک و کثافت و مدفوع. این خدمتکاران موهای بدن ما را جمع می‌کنند، و لباس‌های کثیف ما را می‌بینند. با این حال

---

۱. از معروف‌ترین سریال‌های تلویزیونی بریتانیا.

دیده نمی‌شوند - سیاست و خط‌مشی کشور آنها را نادیده می‌گیرد، جلوی درهای ورودی خانه‌ها به دیده‌ی حقارت به آنها نگاه می‌شود. خبر دارم چون زمانی که به‌خاطر کتابم نیکل و دیمد که به‌خاطر تهیه‌ی گزارش باید در مشاغل کم‌درآمد کار می‌کردم مدت کوتاهی این‌گونه زندگی کردم. برخلاف استغفانی من هروقت اراده می‌کردم می‌توانستم به همان زندگی مرفه‌م در مقام نویسنده برگردم؛ و برخلاف او من وظیفه نداشتیم با درآمد خرج یک بچه را بدهم. بچه‌ای من بزرگ بودند و علاقه‌ای نداشتند با من در خانه‌های سیاری ده‌ها سال در دیوانه‌بازی‌های اهالی مطبوعات به حساب می‌آید زندگی کنند. پس از تمیزکاری خانه‌ها بی‌اطلاع نیستم - ستوه و حقارتی که هر بار علیه کارم را در انتظار عمومی می‌پوشیدم دچارشان می‌شدم. جلیقه‌ها که رویش نوشته بود «خدمتکاران بین‌المللی». اما من فقط می‌توانستم غم و خشم همکارانم را تصور کنم. خیلی از این زن‌ها مثل استغفانی از راه‌های تنمایی بودند که برای گذران زندگی خانه‌ها را تمیز می‌کردند، که کل روز نگران بچه‌هایی بودند که به‌خاطر سر کار رفتن باید آنها را در شرایط خطرناکی رها می‌کردند.

خوشبختانه مجبور نیستید در دنیای استغفانی زندگی کنید. در این کتاب خواهید دید که چگونه تسلیم فقر می‌شود. که هیچ‌وقت پول کافی ندارد و گاهی هم غذای کافی؛ کوهی بادیام زمینی و نودل‌های نیمه‌آماده برایش خیلی هم زیاد است؛ کم پیش می‌آید که مک‌دونالد بخورد. هیچ چیز این دنیا قابل اعتماد نیست - نه

اتومبیل‌ها، نه مردها، نه مسکن. کوپن‌های غذا از ارکان مهم بقایش به حساب می‌آیند و قانون تازه‌ای که می‌گوید افرادی می‌توانند کوپن غذا دریافت کنند که مشغول کار باشند، قانونی که خون آدم را به جوش می‌آورد. بدون این منابع دولتی، این کارگران که پدر و مادرانی تنها هستند دوام نمی‌آورند. اینها صدقه نیستند. آنها هم مثل همه‌ی ما می‌خواهند جایگاه ثابتی در اجتماع داشته باشند.

شاید رنج‌آورترین بخش دنیای استغنی خصوصتی است که از جانب ثروتمندان شارش می‌شود. این تبعیض طبقاتی است و به‌طور خاصی کارگران را هدف می‌گیرد، کسانی که اغلب در مقایسه با کت‌وشلوارپوش‌ها و پشیمین‌ها، هم از نظر اخلاقی، و هم از نظر فکری پست‌تر شناخته می‌شوند. در سوپرمارکت دیگران با نگاهی قضاوت‌گر به سبد خرید اسفان نگاه می‌کنند، درحالی‌که او با کوپن غذا صورت‌حسابش را پرداخت می‌کند. پیرمردی با صدای بلند می‌گوید «خواهش می‌کنم!» انگار او شانه‌ی پول خریدهای او را داده. این طرز فکر بارها و در مواجهات فراوان استغنی با دیگران رخ می‌دهد و نشان‌گر ذهنیت بسیاری از اعضای جامعه است.

داستان دنیای استغنی جرقه‌ای دارد که ظاهراً منجر به یک حرابی فاجعه‌بار می‌شود. در آغاز فرسودگی و ازهم‌گسیختگی فیزیکی است که از بلندکردن اجسام، جاروکردن و ساییدن‌های شش تا هشت ساعتی در روز ناشی می‌شود. در شرکت نظافتی‌ای که کار می‌کردم تک‌تک همکارانم از نوزده سال به بالا دچار نوعی آسیب عصب عضله بودند - کم‌رود، درد شانه، مشکلات زانو و مچ پا. استغنی با

تعداد قابل توجهی از ایوپروفن‌هایی که هر روز مصرف می‌کند درد را تحمل می‌کند. گاهی مشتاقانه به افیونی که در حمام یکی از مشتری‌هایش است نگاه می‌کند، اما او حق انتخاب داروهای تجویزی را ندارد، همین‌طور ماساژ یا فیزیوتراپی یا مراجعه به یک متخصص برای کنترل درد.

در رأس خستگی فیزیکی سبک زندگی‌اش یا آنچه همراه با آن است، چالش‌های احساسی است که استفانی با آنها مواجه می‌شود. او دقیقاً «دلی» «اجاعی» است که روانشناسان برای افراد فقیر توصیه می‌کنند. مریه با انعی مواجه می‌شود بلد است چطور از آن عبور کرده و جلو برود. اما مملهی بی‌امان مشکلات گاهی فراتر از تحمل می‌شوند. تنها چیزی که او را سرپا نگه می‌دارد عشق بی‌نهایتش به دخترش است که نور روشن و شفاف است که به تمام کتاب می‌تابد. گفتن اینکه این کتاب پایان حوشی داد قصه را لوٹ نمی‌کند. استفانی در طول تمام سال‌های پر از رنج و سختی که اینجا بازگو می‌کند آرزوی نویسنده‌شدن را در دل می‌پروراند. من سال‌ها پیش با استفانی آشنا شدم، وقتی که تازه نوشتن را شروع کرده بود. من در کنار نویسنده‌بودن بنیان‌گذار پروژه‌ی گزارش سختی‌های اقتصادی هستم، سازمانی که مروج اطلاع‌رسانی مطبوعاتی باکیفیت از نابرابری اقتصادی است، مخصوصاً به وسیله‌ی افرادی که خودشان برای گذران زندگی دست و پا می‌زنند. استفانی جستاری برایمان فرستاد و ما هم آن را پذیرفتیم، با او همکاری کردیم تا اوج‌ها را بهبود بخشیم، دستی به روی پیش‌نویس کشیدیم و آنها را در بهترین خروجی‌هایی که

می‌شناختیم قرار دادیم، از جمله نیویورک تایمز و نیویورک رویو او بوکس. او دقیقاً از همان آدم‌هایی است که وجودمان را مدیونشان هستیم - یک نویسنده‌ی ناشناس از طبقه‌ی کارگر که برای شروع کارش فقط به یک حمایت کوچک نیاز داشت.

اگر این کتاب به شما انگیزه داد، که احتمالاً همین‌طور می‌شود، به خاطر داشته باشید که احتمال اینکه اصلاً نوشته نشود بسیار بالا بود. بعبارت دیگر استغفانی تسلیم ناامیدی و خستگی شود؛ ممکن بود سر کار دچار مصیبتی شدید شود. همچنین به تمام زنانی فکر کنید که به دلایلی از این دنیا بیجا می‌روند و نمی‌توانند داستان‌شان را تعریف کنند. استغفانی به ما یادآوری می‌کند که زنان قهرمان زیادی اطرافمان وجود دارند که منتظرند به حرف‌هایمان گوش دهیم.

بازیبارا ارنریک